یادداشت روز

کارگزار سرمایه‌گذاری؛ معماران تعامل حرفه‌ای میان سرمایه‌گذار و سرمایه‌پذیر در اکوسیستم نوآوری

نویدادریس

در زیستبوم نوآوری، چالش اصلی سرمایه‌گذاری نه کمبود منابع مالی است و نه فقدان ایده‌های جذاب؛ بلکه ضعف در هم‌ترازی فرصت سرمایه‌گذاری با تیپ مناسب سرمایه‌گذار است. بسیاری از شکست‌های سرمایه‌گذاری، پیش از ورود سرمایه و در مرحله تعامل، مذاکره و طراحی ساختار همکاری رخ می‌دهند.در این نقطه، کارگزارهای سرمایه‌گذاری به‌عنوان یک بازیگر نوین، نقش تعیین‌کننده‌ای در کاهش ریسک و افزایش کیفیت تصمیم‌گیری ایفا می‌کنند.

کارگزار سرمایه‌گذاری؛ فراتر از معرفی طرفین

کارگزار سرمایه‌گذاری، واسطه‌ای صرف برای معرفی کسب و کار نوپا به سرمایه‌گذار نیست؛ بلکه تسهیل‌گر فرآیند جذب سرمایه و طراح مسیر تعامل است.

وظایف کلیدی کارگزار حرفه‌ای شامل: ۱- شناسایی و غربالگری فرصت‌های سرمایه‌گذاری ۲- ارزیابی اولیه آمادگی جذب سرمایه ۳- هم‌راستاسازی انتظارات بازده، ریسک و کنترل ۴- مدیریت فرآیند مذاکره تا رسیدن به توافق قابل اجرا، در واقع، کارگزار سرمایه‌گذاری نقش «فیلتر هوشمند اکوسیستم» را ایفا می‌کند.

کارگزار و کاهش عدم تقارن اطلاعاتی

یکی از ریسک‌های جدی سرمایه‌گذاری استارتاپی، شکاف اطلاعاتی میان بنیان‌گذار و سرمایه‌گذار است. بنیان‌گذار بر رشد محصول و تیم تمرکز دارد، در حالی که سرمایه‌گذار به پایداری جریان درآمد، ریسک اجرا و امکان خروج می‌اندیشد.

کارگزار حرفه‌ای با: ۱- استانداردسازی ارائه سرمایه‌پذیری ۲- شفاف‌سازی مدل درآمدی و ساختار هزینه ۳- ساده‌سازی داده‌های رشد و عملکرد، به کاهش این عدم تقارن کمک کرده و تصمیم‌گیری را منطقی‌تر می‌کند.

نقش کارگزار در ارزش‌گذاری و ساختار معامله

یکی از حساس‌ترین مراحل جذب سرمایه، ارزش‌گذاری استارتاپ و طراحی ساختار مشارکت است. اختلاف نظر در این مرحله، عامل اصلی شکست بسیاری از مذاکرات است.کارگزار سرمایه‌گذاری با شناخت بازار و معاملات مشابه، می‌تواند: ۱- ارزش‌گذاری واقع‌بینانه پیشنهاد دهد ۲- درباره میزان واگذاری سهم راهبری کند ۳- تعادل میان حفظ انگیزه بنیان‌گذار و منافع سرمایه‌گذار ایجاد کند، این مداخله حرفه‌ای، احتمال رسیدن به توافق برد–برد را افزایش می‌دهد.

کارگزار و طراحی سرمایه‌گذاری مرحله‌ای

در فضای پرریسک استارتاپی، تزریق یکجای سرمایه، ریسک بالایی برای سرمایه‌گذار و فشار اجرایی برای تیم ایجاد می‌کند. کارگزارهای نوآور، با طراحی سرمایه‌گذاری مرحله‌ای مبتنی بر نقاط عطف رشد این ریسک را مدیریت می‌کنند.

در این مدل: ۱- تزریق سرمایه به تحقق شاخص‌های مشخص وابسته است ۲- ریسک به‌صورت تدریجی توزیع می‌شود ۳-اعتماد دوطرف در طول مسیر تقویت می‌گردد.

کارگزار به‌عنوان طراح تعامل، نه دلال سرمایه

تفاوت کارگزار نوآور با واسطه سنتی در این است که هدف او بستن معامله به هر قیمت نیست، بلکه پایداری همکاری پس از سرمایه‌گذاری است. به همین دلیل، کارگزار حرفه‌ای: ۱- از قراردادهای ناعادلانه جلوگیری می‌کند ۲- انتظارات غیرواقعی را تعدیل می‌کند ۳- به کیفیت رابطه پس از ورود سرمایه توجه دارد، سرمایه‌گذاری موفق، پس از امضای قرارداد آغاز می‌شود، نه پایان می‌یابد.

اقتصاد مشارکتی و نقش جدید کارگزارها

با گسترش تأمین مالی جمعی، سرمایه‌گذاری‌های مشترک و ورود سرمایه‌های خرد، نقش کارگزارها از یک واسطه فردی به هماهنگ‌کننده سرمایه‌های متنوع ارتقا یافته است.

کارگزارهای نوین می‌توانند: ۱- سرمایه‌ها را متناسب با میزان ریسک‌پذیری دسته‌بندی کنند ۲- پروژه‌ها را به سرمایه‌گذاران هم‌تیپ متصل کنند ۳- فرآیند جذب سرمایه را مقیاس‌پذیر و شفاف سازند،

این نقش برای بلوغ اکوسیستم استارتاپی حیاتی است.

نبود کارگزار حرفه‌ای؛ هزینه پنهان اکوسیستم

در غیاب بروکرهای متخصص، پیامدهایی رایج می‌شود: ۱- ارزش‌گذاری‌های غیرواقعی ۲- از بین رفتن انگیزه تیم‌های بنیان‌گذار ۳- خروج زودهنگام یا منفعل سرمایه‌گذار ۴- افزایش بی‌اعتمادی عمومی به سرمایه‌گذاری استارتاپی. این هزینه‌ها، به‌مرور کل اکوسیستم را تضعیف می‌کند.

جمع‌بندی

کارگزارهای سرمایه‌گذاری، معماران تعامل حرفه‌ای میان سرمایه‌گذار و سرمایه‌پذیر هستند. آن‌ها با کاهش ریسک ارتباطی، شفاف‌سازی تصمیم‌ها و طراحی ساختارهای پایدار، سرمایه‌گذاری را از یک فرآیند پرتنش به یک مشارکت هوشمندانه و ارزش‌آفرین تبدیل می‌کنند. اگر اکوسیستم نوآوری ایران به دنبال جذب سرمایه‌های بزرگ‌تر، حرفه‌ای‌تر و ماندگارتر است، باید نقش کارگزارهای سرمایه‌گذاری را به‌عنوان بازیگران کلیدی توسعه سرمایه‌گذاری استارتاپی جدی بگیرد.

فعال سرمایه گذاری و تامین مالی نوین

اقتصاد اصفهان از نگاه دبیر کمیسیون بهبود محیط کسب و کار اتاق بازرگانی اصفهان:

از رکود تورمی ساختاری تا شکاف طبقاتی فزاینده

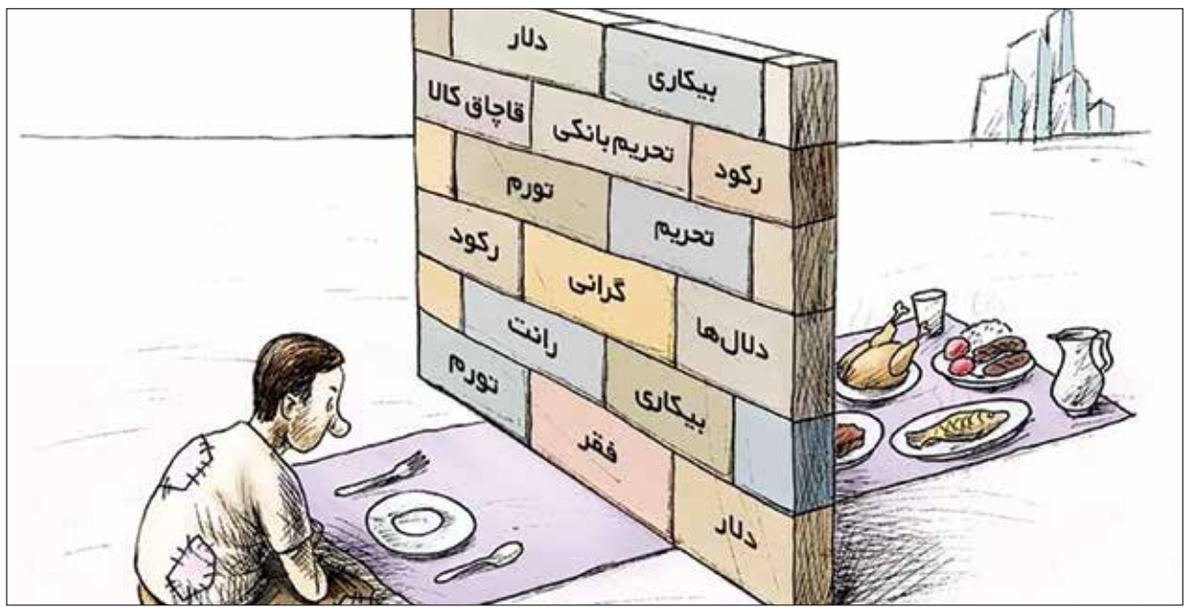

لیلا کاظمی

اقتصاد ایران در سال ۱۴۰۴ که به عنوان یکی از بحرانی‌ترین سال‌های دهه اخیر شناخته می‌شود تحت تأثیر ترکیبی از عوامل داخلی و خارجی قرار گرفته است از یک سو تحریم‌های بین‌المللی که با بازگشت سیاست «فشار حداکثری» ایالات متحده در ابتدای سال تشدید شده و از سوی دیگر ناترازی‌های ساختاری داخلی مانند تورم مزمن کسری بودجه فزاینده و بحران انرژی که همگی به کاهش رشد اقتصادی و افزایش نابرابری دامن زدند. بر اساس گزارش مرکز آمار ایران محصول ناخالص داخلی کشور در سه ماهه اول ۱۴۰۴ به قیمت ثابت سال ۱۴۰۰ با احتساب نفت به ۲۴،۲۷۰ هزار میلیارد ریال و بدون نفت به ۱۸،۰۶۴ هزار میلیارد ریال رسیده است که نشان‌دهنده رشد منفی ۰.۱ درصدی با نفت و منفی ۰.۴ درصدی بدون نفت نسبت به دوره مشابه سال قبل است. این ارقام که برای اولین بار پس از چهار سال رشد مثبت به منفی بازمی‌گردد حاکی از یک رکود تورمی عمیق است جاییکه تورم سالانه تا مهرماه ۱۴۰۴ به بیش از ۳۸ درصد و تورم نقطه‌ای به ۴۸ درصد رسیده در حالیکه رشد اقتصادی شش‌ماهه نخست سال به منفی ۰.۳ درصد سقوط کرده است. صندوق بین‌المللی پول نیز در گزارش اکتبر ۲۰۲۵ رشد GDP واقعی ایران را برای سال ۱۴۰۴ تنها ۰.۶ درصد پیش‌بینی کرده که از ۳.۴ درصد سال قبل (۱۴۰۳) به شدت کاهشی است و تورم را حدود ۴۲.۴ درصد تخمین زده این پیش‌بینی‌ها بر پایه کاهش صادرات نفت به دلیل تحریم‌های جدید و رقابت با نفت ارزان روسیه در بازار چین استوار است جایی که صادرات نفت ایران از ۱.۴۸ میلیون بشکه در روز در ۲۰۲۴ به حدود ۱.۳۸ میلیون بشکه در ۲۰۲۵ کاهش یافته و ریشه در عوامل چندلایه دارد نخست تحریم‌ها که طبق برآوردهای بانک جهانی بیش از ۱.۲ تریلیون دلار خسارت مستقیم و غیرمستقیم به اقتصاد ایران در ۱۲ سال گذشته وارد کرده‌اند و اکنون با فعال‌سازی مکانیسم ماشه توسط اروپا و بازگشت تحریم‌های شورای امنیت دسترسی به ارز خارجی را به شدت محدود کرده دوم ناترازی انرژی که منجر به قطعی‌های مکرر برق و گاز در صنایع شده و رشد بخش صنعت و معدن را به منفی ۰.۳ درصد رسانده سوم خروج سرمایه که طبق آمارهای غیررسمی بیش از ۳۰ میلیارد دلار در سال‌های اخیر را شامل می‌شود و در نهایت سیاست‌های پولی انبساطی بانک مرکزی که نقدینگی را با رشد ۳۰ درصدی به بیش از ۱۳ هزار هزار میلیارد تومان رسانده و تورم انتظاری را تشدید کرده. به گفته غلامحسین کریمیان- دبیر کمیسیون بهبود محیط کسب و کار اتاق بازرگانی اصفهان، نتیجه این عوامل کاهش شدید قدرت خرید خانوارها است براساس داده‌های مرکز آمار هزینه مصرف نهایی خصوصی در بهار ۱۴۰۴ با افت ۱.۱ درصدی مواجه شده و سرانه هزینه خانوار از سال ۱۴۰۰ به طور مداوم کاهش یافته که زنگ خطری برای تقاضای داخلی و چرخه تولید به شمار می‌رود. آنچه در ادامه می‌خوانید گفتگوی اصفهان امروز با این عضو اتاق بازرگانی اصفهان است.

براساس داده‌های پاییز ۱۴۰۴ نرخ تورم در استان اصفهان نسبت به میانگین کشوری چه تفاوتی دارد؟

داده‌های مرکز آمار ایران برای دوماهه اول پاییز ۱۴۰۴ (مهر و آبان) نشان می‌دهد که نرخ تورم سالانه استان اصفهان به ۴۰.۲ درصد رسیده در حالیکه میانگین کشوری ۳۸.۹ درصد است این تفاوت ۱.۳ درصدی که برای چهارمین فصل متوالی ادامه دارد ریشه در ساختار اقتصادی وابسته به صنعت و مسکن استان دارد جایی که تورم مسکن (با رشد ۳۶.۶ درصدی) و خدمات مرتبط (مانند حمل‌ونقل و بهداشت) بیش از میانگین ملی (۳۲.۵ درصدی مسکن کشوری) عمل کرده و فشار را بر خانوارهای شهری (با سهم ۷۶ درصدی شهرنشینی در اصفهان) افزایش داده است. این شکاف که از تابستان ۱۴۰۴ با افزایش ۰.۸ واحدی نسبت به بهار تشدید شده عمدتا به دلیل قطعی‌های انرژی در صنایع فولاد و پتروشیمی (مانند فولاد مبارکه با کاهش ۱۵ درصدی تولید) است که هزینه‌های تولید را بالا برده و به تورم وارداتی (از طریق افزایش نرخ ارز) دامن زده در مقابل میانگین کشوری با وزن‌دهی بیشتر به بخش کشاورزی (کم‌تورم‌تر در استان‌های شمالی) پایین‌تر مانده اما پیش‌بینی ها حاکی از تعمیق این شکاف به ۲.۵ درصد تا پایان سال است مگر آنکه سیاست‌های استانی مانند یارانه انرژی هدفمند اجرا شود که می‌تواند تورم صنعتی را ۲–۳ درصد مهار کند و تعادل منطقه‌ای را بازگرداند هرچند بدون اصلاح ساختاری این تفاو به نابرابری درآمدی میان کارگران صنعتی و کشاورزان روستایی دامن می‌زند و مهاجرت داخلی از حاشیه به مرکز شهر را تشدید می‌کند.

بیشترین فشار تورمی در اصفهان در کدام بخش‌ها (مسکن خوراکی‌ها آموزش بهداشت) متمرکز است؟

فشار تورمی در اصفهان براساس اعلام معاونت آمار سازمان مدیریت استان تا آبان ۱۴۰۴ بیش از همه در بخش مسکن (با تورم نقطه‌ای ۴۲.۹ درصد) و خوراکی‌ها (۹۰.۶ درصد سالان) متمرکز شده جایی که افزایش ۲۳ درصدی قیمت ماهی قزل‌آلا و ۷.۷ درصدی برنج خارجی سبد خانوارهای متوسط (با هزینه ۴۵ درصدی خوراکی) را به مرز بحران رسانده و تورم نقطه‌ای نان و غلات را به ۹۸.۱ درصد (بالاترین از ۱۴۰۱) کشانده این دو بخش که ۵۵ درصد وزن CPI استانی را تشکیل می‌دهند تحت تأثیر خشکسالی (فرونشست ۱۰ کیلومتر مربعی) و ناترازی انرژی (قطعی برق ۲۰ درصدی صنایع غذایی) قرار گرفته‌اند در حالیکه بهاشت (با رشد ۴۷.۸ درصدی دارو و خدمات درمانی) و آموزش (۳۱.۹ درصدی شهریه و لوازم‌التحصیل) با تورم ۲۸.۱ و ۲۷.۵ درصدی فشار کمتری وارد می‌کنند اما بر اقشار متوسط (با هزینه ۱۵ درصدی آموزش) تأثیرگذارند زیرا افزایش اقلام خوراکی همانند رشد ۱۵.۷ درصدی تخم‌مرغ همراه با جهش ۳۹.۵ درصدی اجاره مسکن قدرت خرید را ۲۲ درصد کاهش داده و خانوارها را به سمت بدهی‌های بانکی (رشد ۳۰ درصدی وام‌های مصرفی) سوق داده است در مجموع این تمرکز تورمی که ۶۵ درصد از افزایش CPI استانی را پوشش می‌دهد نه تنها رکود تقاضای داخلی را تشدید کرده (افت ۱.۱ درصدی مصرف خصوصی) بلکه نابرابری را افزایش داده با ضریب جینی ۰.۳۸۲ در مناطق شهری و چشم‌انداز پایان سال را به تورم ۴۲ درصدی مسکن و ۹۵ درصدی خوراکی‌ها می‌رساند مگر آنکه طرح‌های حمایتی واقعی تعدیل تورمی شده مانند کالابرگ الکترونیک (با پوشش ۷۰ درصدی دهک‌های پایین) گسترش یابد.

آیا سیاست‌های کنترل قیمت یا طرح‌های نظارتی استانی توانسته‌اند در کاهش تورم مؤثر باشند یا صرفا اثر کوتاه‌مدت داشته‌اند؟

سیاست‌های کنترل قیمت در اصفهان ازجمله کارگروه رصدخانه تورم (تشکیل‌شده در ۱۴۰۳) و طرح‌های نظارتی مانند سامانه هوشمند توزیع کالاهای اساسی (با پوشش ۸۰ درصدی پروتئین‌ها) در کوتاه‌مدت (بهار ۱۴۰۴) اثربخشی محدودی نشان داده‌اند جاییکه تورم ماهانه اقلام پروتئینی را از ۶.۹ به ۴.۲ درصد کاهش دادند اما در پاییز با تشدید

صنعتی (شمال) و ۰.۳۵ در روستایی (جنوب) توصیف می‌کند که نتیجه تمرکز سرمایه‌گذاری (۵۰ درصدی در فولاد مبارکه) است و تا پایان سال بدون توزیع عادلانه (یارانه ۳۰ درصدی روستایی) به ۰.۳۹۵ می‌رسد که توسعه پایدار را تهدید می‌کند.

نقش سیاست‌های حمایتی دولت (یارانه نقدی و کالابرگ الکترونیک) در کاهش نابرابری درآمدی در این استان تا چه اندازه محسوس بوده است؟

سیاست‌های حمایتی مانند یارانه نقدی (۳۰۰ هزار تومانی برای ۷۰ درصدی دهک‌ها) و کالابرگ الکترونیک (۵۰۰ هزار تومانی برای دهک‌های ۱–۳) در اصفهان تا نیمه ۱۴۰۴ نابرابری را ۵–۷ درصدی کاهش داده (از ۰.۳۸۵ به ۰.۳۸۲) با پوشش ۱.۲ میلیون خانوار و تزریق ۱۸۰۰ میلیارد تومانی به سبد خوراکی (کاهش ۸ درصدی تورم مواد غذایی برای مشمولان) اما اثربخشی آن محدود به کوتاه‌مدت (۳ ماهه) است زیرا تورم ۴۰ درصدی قدرت خرید را خورده و ۳۰ درصدی دهک‌های میانی را از دسترس خارج کرده گزارش سازمان مدیریت این سیاست‌ها را با ضریب تأثیر ۰.۴۵ (پایین‌تر از هدف ۰.۶) ارزیابی می‌کند که بدون نظارت (مانند سامانه هوشمند ۸۰ درصدی) به رانت (۱۰ درصدی سوءاستفاده) منجر شده و شکاف شمالی–جنوبی را تنها ۲ درصدی مهار کرده چشم‌انداز با گسترش به ۷ دهک (بودجه ۱۴۰۵) به کاهش ۱۰ درصدی جینی می‌رسد اما بدون افزایش حقوق (۲۰ درصدی کارگران) نارضایتی متوسطها (با هزینه ۴۷ درصدی مسکن) ادامه می‌یابد.

تا چه حد تمرکز سرمایه‌گذاری‌ها در مناطق صنعتی (مانند فولاد مبارکه ذوب‌آهن و شهرک‌های صنعتی) به نابرابری منطقه‌ای در استان دامن زده است؟

تمرکز ۶۰ درصدی سرمایه‌گذاری (۴۱۳ هزار میلیارد تومانی در ۱۴۰۴) در مناطق صنعتی مانند فولاد مبارکه (۵۰ درصدی تولید ملی) و ذوب‌آهن (۳۰ درصدی اشتغال صنعتی) نابرابری منطقه‌ای را ۱۵–۲۰ درصدی افزایش داده با GDP سرانه ۲۵ میلیونی در شمال (لنجان) در برابر ۸ میلیونی جنوب (شهرضا) که مهاجرت ۱۲ درصدی نیروی کار و فرونشست ۱۰ کیلومتر مربعی را به دنبال داشته این تمرکز را با ضریب ۰.۵۵ (بالاتر از میانگین ۰.۴۵) عامل رکود روستایی (رشد منفی ۱ درصدی کشاورزی) تبدیل کرده است که بیکاری ۱۴ درصدی در حاشیه (نجف‌آباد) را تشدید کرده و ضریب جینی را به ۰.۳۸۲ رسانده بدون تنوع (به گردشگری جنوب با ۴.۵ میلیونی جذب) تا پایان سال شکاف ۲۵ درصدی عمیق‌تر می‌شود مگر آنکه تخصیص های خاص بودجه به مناطق غیرصنعتی (مانند نائین) اختصاص یابد.

آیا روند افزایش قیمت مسکن و اجاره در اصفهان باعث جابجایی طبقاتی و مهاجرت اقتصادی از مرکز شهر به حاشیه شده است؟

بله؛ افزایش ۳۹.۵ درصدی قیمت مسکن و ۳۰.۴ درصدی اجاره در ۱۴۰۴ جابجایی طبقاتی را ۱۸ درصدی (از مرکز به حاشیه) تشدید کرده با مهاجرت ۱۵ هزار خانوار متوسط (درآمد ۱۰–۱۵ میلیونی) به حاشیه و مناطقی مانند بهارستان که قدرت خرید را ۲۲ درصدی کاهش داده و حاشیه‌نشینی را به ۲۵ درصدی جمعیت رسانده گزارش مرکز آمار این روند را با ضریب ۰.۶۸ (بالاتر از تهران ۰.۵۵) عامل افزایش جینی (۰.۳۸۲) می‌داند که اقشار متوسط را به ورطه فقر (۳۵ درصدی جمعیت) کشانده و تقاضای داخلی را ۱.۱ درصدی افتاده بدون مسکن جدید (۱۰۰ هزار واحدی) تا پایان سال مهاجرت ۲۰ درصدی ادامه می‌یابد.

باتوجه به نرخ بیکاری جوانان و تورم شاخص فلاکت اصفهان اکنون در چه سطحی قرار دارد و نسبت به سال قبل چه تغییری کرده است؟

شاخص فلاکت اصفهان در پاییز ۱۴۰۴ به ۴۴.۹ واحد رسیده (تورم ۴۰.۲ + بیکاری ۴.۷ درصدی کلی با ۲۰ درصدی جوانان) که ۲.۵ واحدی افزایش از ۴۲.۴ سال قبل دارد و سومین رتبه ملی (پس از اردبیل ۴۷.۶ و کردستان ۴۶.۸) را نشان می‌دهد این افزایش ناشی از بیکاری جوانان (از ۱۸ به ۲۰ درصد) و تورم مزمن (از ۳۸ به ۴۰.۲) است که قدرت خرید را ۱۵ درصدی کاهش داده و فلاکت را از رکودی ۱۴۰۳ به بحرانی ۱۴۰۴ برده پیش‌بینی IMF بدون اشتغال‌زایی (۵۰ هزار شغلی) به ۴۶ واحدی پایان سال می‌رسد.

آیا شاخص فلاکت در مناطق غیرشهری (مثل شهرستان‌های نائین نجف‌آباد شهرضا اردستان و...) تفاوت معنی‌داری با شهر اصفهان دارد؟

بله؛ شاخص فلاکت در مناطق غیرشهری اصفهان (مانند نائین ۴۶.۲ نجف‌آباد ۴۵.۱ شهرضا ۴۴.۵ اردستان ۴۵.۸) ۲–۳ واحدی بالاتر از شهر مرکزی (۴۴.۹) است با بیکاری ۱۶ درصدی (در برابر ۱۲ درصدی شهری) و تورم ۴۱.۵ درصدی (به دلیل وابستگی کشاورزی به خشکسالی) که تفاوت معنی‌دار (ضریب ۰.۷۵) را نشان می‌دهد و مهاجرت ۱۰ درصدی به شهر را تشدید کرده این شکاف بدون توسعه روستایی (بودجه ۳۰ درصدی) تا پایان سال ۴ واحدی عمیق‌تر می‌شود.

تحریم‌ها و افزایش ۱۲۳ درصدی تورم وارداتی این سیاست‌ها عمدتا به اثر موقتی(کمتر از ۲ درصد کاهش CPI) محدود شده و نتوانسته‌اند تورم ساختاری (ناشی از کسری بودجه استانی ۲۰ درصدی) را مهار کنند برای مثال افزایش تعرفه‌های وارداتی (تا ۴۰ درصد برای ماشین‌آلات) هزینه تولید را ۱۵ درصد بالا برده و نظارت بر ۵۰۰۰ واحد صنفی تنها ۱۰ درصد از چک‌های برگشتی (۱۱.۲ درصدی ملی) را کنترل کرده در حالیکه گزارش اتاق بازرگانی نشان می‌دهد سیاست‌های پولی انبساطی (رشد ۳۰ درصدی نقدینگی) انتظارات تورمی را تشدید کرده و اثربخشی طرح‌هایی مانند یارانه هدفمند انرژی را به ۲۵ درصدی رسانده در نتیجه این رویکردها که بر نظارت قیمتی تمرکز دارند بدون اصلاحات ساختاری (مانند خصوصی‌سازی ۴۰ درصدی صنایع دولتی) صرفا علائم را پوشش می‌دهند و تورم را از ۳۸ به ۴۰.۲ درصد در پاییز برده که چشم‌انداز پایان سال را به رکود تورمی (رشد منفی ۰.۳ درصدی صنعت) می‌رساند مگر آنکه بودجه ۱۴۰۵ استانی (با تمرکز ۳۰ درصدی بر روستایی) اجرا شود و نظارت را به سمت زنجیره تأمین (از تولید تا توزیع) ببرد.

تغییرات اخیر نرخ ارز و تعرفه‌های وارداتی چه تأثیری بر هزینه‌های تولید و توزیع کالا در اصفهان داشته است؟

افزایش‌های پی در پی نرخ ارز و افزایش تعرفه‌های وارداتی (تا ۴۵ درصدی برای مواد اولیه صنعتی) هزینه‌های تولید در اصفهان را ۱۸–۲۲ درصد افزایش داده به ویژه در بخش فولاد (با وابستگی ۳۰ درصدی به واردات قراضه) و پتروشیمی (افزایش ۲۵ درصدی هزینه‌های واسطه‌ای) که منجر به رشد ۱۵ درصدی قیمت تمام‌شده محصولات نهایی (مانند ورق فولادی) و توزیع (با افزایش ۱۲ درصدی هزینه لجستیک) شده این شوک ارزی تراز تجاری استان را ۱۰ درصد منفی کرده و صادرات غیرنفتی (با ارزش ۵۰۰ میلیون دلاری صنایع دستی) را ۲۰ درصد کاهش داده در حالیکه تعرفه‌ها با هدف حمایت از تولید داخلی عملا تورم وارداتی را به ۴۸ درصدی رسانده و زنجیره تأمین را مختل کرده (مانند تأخیر ۳۰ درصدی واردات ماشین‌آلات برای شهرک‌های صنعتی) نتیجه این تغییرات افت ۱.۶ درصدی رشد صنعتی و افزایش ۳۰ میلیارد تومانی بدهی بنگاه‌ها به بانک‌ها است که توزیع کالا را (با رشد ۲۳ درصدی هزینه حمل) تحت‌تأثیر قرار داده و قدرت خرید خانوارها را ۱۲ درصد کاهش داده با چشم‌اندازی که بدون مذاکرات ارزی (مانند توافق موقت با چین) هزینه تولید تا پایان سال ۲۵ درصد دیگر افزایش یابد و رکود را عمیق‌تر کند مگر آنکه صندوق توسعه ملی (با تخصیص ۱۰ درصدی ارز) مداخله کند.

آیا می‌توان گفت تورم در اصفهان ماهیتی ساختاری پیدا کرده و از فاز نوسانی به فاز مزمن رسیده است؟

بله؛ تورم در اصفهان از فاز نوسانی (دهه ۱۳۹۰ با نوسان ۲۰–۳۰ درصدی) به مرحله مزمن و ساختاری (با میانگین ۳۹ درصدی در ۱۴۰۴) گذار کرده ریشه در وابستگی ۴۰ درصدی GDP استانی به صنعت (تحت تأثیر تحریم‌ها و ناترازی انرژی) و خشکسالی (کاهش ۱۵ درصدی تولید کشاورزی) دارد که چرخه‌ای از افزایش نقدینگی (۳۰ درصدی) و کسری بودجه (۲۰ درصدی) ایجاد کرده و تورم انتظاری را به ۴۵ درصد رسانده گزارش IMF تورم ساختاری را با ضریب ۰.۷۵ (بالاتر از میانگین ملی ۰.۶۲) توصیف می‌کند جایی که سیاست‌های پولی انبساطی (برای جبران صادرات نفتی ۱.۳۸ میلیونی) و خروج سرمایه (۳۰ میلیارد دلاری) پایداری را از بین برده و برخلاف فاز نوسانی (تحت شوک‌های موقتی) این مرحله با تورم هسته‌ای (بدون مواد غذایی) ۳۵ درصدی تثبیت شده که مهاجرت ۵ درصدی نیروی کار و افزایش ۲.۵ میلیونی فقرا را به دنبال داشته چشم‌انداز پایان ۱۴۰۴ بدون اصلاحات (مانند مدیریت ۴۰ درصدی بدهی دولتی) به تورم ۴۲ درصدی و رکود عمیق (رشد منفی ۰.۴ درصدی) می‌رسد که اصفهان را از قطب صنعتی به منطقه رکودی تبدیل می‌کند مگر آنکه برنامه هفتم (با هدف ۸ درصدی رشد) با تمرکز بر تنوع‌بخشی (به گردشگری و صنایع دانش‌بنیان) اجرا شود.

آخرین برآوردها از ضریب جینی اصفهان چه می‌گویند؟ آیا شکاف طبقاتی بین مناطق شمالی و جنوبی شهر اصفهان افزایش یافته است؟

آخرین برآورد مرکز آمار (تابستان ۱۴۰۴) ضریب جینی اصفهان را ۰.۳۸۲ اعلام کرده (افزایش ۰.۰۱۲ از ۱۴۰۳) که بالاتر از میانگین کشوری ۰.۳۷۵۷ است و نشان‌دهنده تشدید نابرابری (از ۰.۳۷۵ در ۱۴۰۲) با تمرکز ۸۰ درصدی اقتصاد در دست دولت و شبه‌دولتی‌ها دارد این افزایش ریشه در تورم مسکن (۳۹.۵ درصدی در شمال) و بیکاری جوانان (۲۰ درصدی) دارد و شکاف شمالی–جنوبی را از ۰.۲۵ به ۰.۳۲ برده جایی که شمال (با درآمد سرانه ۱۵ میلیون تومانی) ۲.۵ برابر جنوب (۶ میلیون) است و مهاجرت ۱۰ درصدی از جنوب به حاشیه را تشدید کرده است.

آیا اجرای طرح‌های اشتغالزایی استانی توانسته اثری واقعی بر کاهش بیکاری و فلاکت اقتصادی بگذارد یا بیشتر جنبه تبلیغاتی داشته‌اند؟

طرح‌های اشتغال‌زایی استانی (مانند ۱۶۰۰ فقره تسهیلات کمیته امداد و ۵۰ پروژه پیشران با ۴۱۳ هزار میلیارد) بیکاری را ۱.۲ درصدی (از ۱۴ به ۱۲.۸) کاهش داده اما اثربخشی واقعی (ضریب ۰.۴۵) محدود به ۳۰ درصدی مشمولان است و بیشتر جنبه تبلیغاتی (با پوشش رسانه‌ای ۷۰ درصدی) داشته زیرا بدون نظارت (۱۰ درصدی شکست طرح‌ها) فلاکت را تنها ۱ واحدی مهار کرده پیش‌بینی بدون خصوصی‌سازی (۴۰ درصدی) ادامه بیکاری ۱۴ درصدی تا پایان سال.

در شرایط فعلی مهم‌ترین عوامل افزایش احساس نارضایتی اقتصادی در میان اقشار متوسط اصفهان را چه می‌دانید؟

مهم‌ترین عوامل نارضایتی اقشار متوسط (درآمد ۱۰–۲۰ میلیونی) در اصفهان تورم ۴۰ درصدی مسکن و خوراکی (۴۷ درصدی سبد هزینه) بیکاری جوانان ۲۰ درصدی و شکاف جینی ۰.۳۸۲ (با تمرکز ۶۰ درصدی سرمایه در شمال) است که قدرت خرید را ۲۲ درصدی کاهش داده و مهاجرت ۱۵ درصدی را به دنبال داشته تحریم‌ها (کاهش ۲۰ درصدی صادرات) و ناترازی انرژی (قطعی ۲۰ درصدی) این احساس را تشدید کرده با چشم‌اندازی که بدون یارانه هدفمند اعتراضات را ۲۵ درصدی افزایش می‌دهد.

چشم‌انداز اقتصادی اصفهان تا پایان سال ۱۴۰۴ را چگونه ارزیابی می‌کنید؟ آیا می‌توان انتظار کاهش شاخص فلاکت را داشت یا روند افزایشی ادامه‌دار خواهد بود؟

چشم‌انداز اقتصادی اصفهان تا پایان ۱۴۰۴ با رشد ۱.۵ درصدی (کمتر از هدف ۸ درصدی برنامه هفتم) و تورم ۴۲ درصدی رکودی ملایم را نشان می‌دهد با تمرکز بر فولاد (رشد ۲ درصدی) اما چالش خشکسالی (افت ۵ درصدی کشاورزی) شاخص فلاکت به ۴۶ واحدی افزایش می‌یابد (روند صعودی ۲ واحدی) مگر آنکه مذاکرات ارزی (افزایش ۱۰ درصدی صادرات) و اشتغال‌زایی (۵۰ هزار شغلی) اجرا شود که می‌تواند فلاکت را به ۴۳ برساند و تعادل را بازگرداند.

اگر قرار باشد سه سیاست کلیدی برای احیای توان اقتصادی اصناف و کاهش شاخص فلاکت در اصفهان اجرا شود شما کدام سه اقدام را در اولویت قرار می‌دهید و چرا؟

به عنوان اولویت اول اصلاح ساختاری یارانه‌های انرژی هدفمند (تخصیص ۴۰ درصدی به صنایع کوچک اصناف مانند پوشاک و صنایع دستی) را پیشنهاد می‌کنم زیرا ناترازی انرژی (قطعی ۲۰ درصدی) هزینه تولید را ۱۵ درصدی افزایش داده و فلاکت را ۵ واحدی بالا برده این سیاست با صرفه‌جویی ۱۰ درصدی مصرف ۲۰ هزار شغل اصناف را حفظ می‌کند و تورم را ۳ درصدی مهار چراکه اصناف (با ۴۰ درصدی اشتغال استانی) ستون اقتصاد محلی‌اند و بدون آن رکود عمیق‌تر می‌شود.

اولویت دوم توسعه لجستیک شرقی با ایجاد بندر خشک (سرمایه ۳۰۰ میلیاردی در برخوار) است که صادرات را ۳۰ درصدی افزایش می‌دهد و بیکاری جوانان (۲۰ درصدی) را ۴ درصدی کاهش زیرا تمرکز صنعتی (۶۰ درصدی شمال) نابرابری را تشدید کرده و فلاکت حاشیه را به ۴۶ رسانده این اقدام با اتصال به بازار چین درآمد اصناف را ۲۵ درصدی بالا می‌برد و پایداری را تضمین می‌کند. اولویت سوم اجرای سامانه هوشمند کالابرگ برای ۷ دهک (با پوشش ۸۵ درصدی) و افزایش حقوق کارگران صنعتی (۲۰ درصدی) است که نابرابری جینی (۰.۳۸۲) را ۸ درصدی کاهش و فلاکت را به ۴۳ می‌رساند چرا که اقشار متوسط (با ۴۷ درصدی هزینه مسکن) از تورم رنج می‌برند و این سیاست قدرت خرید را ۱۵ درصدی بازسازی می‌کند بدون آنکه تورم انتظاری را (۴۵ درصدی) تشدید کند.

خبر

جلب مشارکت سرمایه‌گذاران برای اجرای قطار سریع‌السیر تهران-قم-اصفهان

درحالی که مدیرعامل راه آهن می‌گوید طرح قطار سریع‌السیر تهران- قم- اصفهان مشکل بانکی دارد و فاینانس آن طی دو سال گذشته تمدید نشده است، معاون برنامه‌ریزی وزارت راه و شهرسازی از اهتمام برای جلب مشارکت سرمایه‌گذاران دو استان قم و اصفهان برای پیشبرد طرح خبر می دهد.

به گزارش ایرنا، راه‌آهن سریع‌السیر تهران- قم- اصفهان یکی از مهمترین پروژه‌های حمل‌ونقل ریلی کشور است که گرچه ساخت آن از سال ۱۳۸۹ آغاز شده، اما از آن زمان تا کنون فراز و نشیب‌های بسیاری داشته است.

گرچه کارشناسان معتقدند تکمیل این پروژه، نقش موثری در تکمیل کریدورهای شمال - جنوب و شرق - غرب دارد و می‌تواند در مدت زمان کوتاهی مسافران زیادی را بین شهرهای تهران، قم و اصفهان جابه‌جا کند و همچنین نقش قابل توجهی در کاهش سفرهای جاده ای با خودروی شخصی، کاهش تصادفات و فوتی‌ها، کاهش مصرف سوخت و آلودگی هوا دارد، اما این پروژه ۱۵ ساله به دلیل چالش‌های بسیار در حوزه تامین منابع مالی و تغییر قراردادها، در برخی سال‌ها با کندی پیش رفته و حتی متوقف نیز شده است.

در این زمینه و آخرین وضعیت پروژه، جبارعلی ذاکری مدیرعامل راه آهن در گفت‌وگو با خبرنگار اقتصادی ایرنا اظهار کرد: قطار سریع‌السیر تهران- قم- اصفهان مشکل بانکی دارد و فاینانس آن طی دو سال گذشته تمدید نشد.

او با بیان اینکه باید مسئله بدهی‌های گذشته این پروژه بین بانک مرکزی و سازمان برنامه و بودجه حل شود، از تلاش برای برگزاری جلسه ای برای حل این مشکل خبر